برنامهٔ دشتی

ساختهٔ استاد موسی معروفی

بازنگری و ویرایش

ارشد تهماسبی

مؤسسهٔ فرهنگی - هنری ماهور

تهران، ۱۳۷۶

استاد موسی‌خان معروفی معلّم بزرگ موسیقی ایران بود؛ نقشی را که از خود به یادگار گذاشت و در عرصهٔ موسیقی ایران ایفا کرد یکی از ارزنده‌ترین، و در نوع خود ویژه‌ترین بود. او با عشق و جدیّت، آثار ارزندهٔ موسیقی را ثبت کرد و در اختیار آیندگانش گذاشت و در این رهگذر هرگونه داوری فردی و تعصب را کنار گذاشت و این اختیار را برای نسل‌های بعد از خود قائل شد تا خود این آثار را بخوانند و بنوازند و دربارهٔ آن‌ها نظر بدهند. این خصلت او اگر نه نایاب که بسیار کمیاب بود و هست.

موسی‌خان در زمانی چنین همت و وارستگی به‌خرج داد که احتمال از دست رفتن آثار موسیقی بسیار بیش از زمان‌های بعد بود. او با بلندنظری ساخته‌های معاصران و هم‌دوره‌های خود را در کنار آثار استادان قدیم نوشت و ثابت کرد که در این راه به هیچ‌چیز غیر از موسیقی و اعتلای آن نمی‌اندیشد. با آن‌که خود ردیف‌دانی مسلط، نوازنده‌ای توانا و نیز سازنده‌ای خوش‌ذوق بود روزنه‌های ورود تنگ‌نظری‌ها را بر ذهن و دل خود بست و هرآنچه و هرجا صدایی و نوایی خوش از دلِ موسیقی‌دانی برخاسته بود، در ذهن خود جای داد و بر سینهٔ کاغذ و آیندگان رقم زد. در این گذر نه‌تنها بهرهٔ مادی نبرد که گاه معنویت‌اش نیز مجهول ماند و خود مهجور.

کتاب حاضر که ساخته و پرداختهٔ او است، مجموعه‌ای کامل از آواز دشتی است که با وجود پیش‌درآمد و چهارمضراب و تصنیف و رِنگ در کنار آوازها، می‌توان آن را یک «برنامهٔ دشتی» محسوب کرد. این مجموعه با نگاهی نو به آوازها و جواب‌ها در دههٔ سی ساخته شده است؛ لطف‌الله مفخم‌پایان در همان سال‌ها اقدام به چاپ آن کرد. شرح چگونگی نوشتن کتاب و اقدام او (مفخم‌پایان) در مقدمه‌ای ذکر شده است. این مقدمه برای آگاهی هنردوستان از چگونگی وضعیت موسیقی و انتشار در آن سال‌ها، عیناً منعکس شده است.

ارشد تهماسبی، پاییز ۷۶

تذکر

۱ ـ از شهریور ۱۳۲۰ که بار دیگر ادارهٔ موسیقی کشور باهل فن واگزار [واگذار] گردید برای حفظ آهنگ‌های ملی از تغییر و تبدیل و فنا و انتشار آن جهت علاقمندان بموسیقی اقداماتی بعمل آمد و حتی در نظر بود که بتدریج دورهٔ کاملی از کلیهٔ آوازهای ایرانی چاپ و منتشر گردد.

استاد هنرمند آقای موسی معروفی که از شاگردان مرحوم درویش‌خان بوده و سالها در این راه رنج برده و زحمت کشیده‌اند انجام این خدمت را بر عهده گرفتند و آواز دشتی حاضر را تنظیم و جهت چاپ بادارهٔ نگارش وزارت فرهنگ تسلیم نمودند ولی بر اثر عدم توجه زمامداران مملکت بهنرهای زیبا این آواز متجاوز از شش سال در دفتر بایگانی آن اداره مدفون بود! و متاسفانه تا سال ۱۳۲۵ سفارش‌های ادارهٔ موسیقی کشور جهت چاپ آن بلااثر و پس از تاریخ فوق که بار دیگر ادارهٔ مذکور بدست عده‌ای ناوارد و بی‌اطلاع از موسیقی ایرانی افتاد دیگر پشتیبانی هم جهت چاپ آن وجود نداشت.

البته در مملکتی که زمامداران آن کمترین ارزشی برای موسیقی قائل نیستند و بهمین لحاظ اختیار ادارهٔ موسیقی را بدست افرادی می‌دهند که کوچکترین اطلاعی از موسیقی آن ندارند نمیتوان بیش از این انتظار داشت!

برای اینکه علاقمندان محترم بیشتر اطلاع حاصل کنند که چه اشخاصی در موسیقی ما دخالت دارند و بچه ترتیب استادان این فن را نسبت به پیشرفت کارشان دلسرد و بیعلاقه می‌کنند قضیه زیر را بعرض می‌رسانم:

روز دوشنبه ۲۴ خردادماه سال جاری که جهت تنظیم صفحات سرود جوانان شیر و خورشید سرخ که قرار بود از طرف انجمن موسیقی ملی بچاپ برسد، بادارهٔ نگارش رفتم، وقتی نظر آقای دکتر را دربارهٔ ترتیب مطالب روی جلد خواستم، ایشان اظهار کردند که: «من راجع بروی جلد حرفی ندارم، اصل مطل آهنگ آنست که باید بنظر مدیرکل فنی برسد، درصورتیکه ایشان پسندیدند آنوقت چاپ آن مانعی ندارد!»

در جواب ایشان گفتم آقای دکتر، این مدیرکل فنی! لیاقت و شایستگی کار خود را ندارند، در اینصورت چطور ممکن است راجع باهنگ یک استاد قضاوت کنند؟ درحالیکه قطع دارم شعور درک موسیقی را ندارند و اصلاً معنی آن را نمی‌دانند!

آنروز بطرز فکر آقای دکتر پی بردم و دانستم که ایشانهم اختیاری جهت انجام کوچکترین کار مثبتی ندارند و مانند غالب کارمندان پخته و کارکشته! جهت کوچکترین امری به مدیرکل فنی! مراجعه و بدون توجه بنظریات اهل فن و با استفاده از فکر خویش پیوسته رأی اشخاصی را در نظر می‌گیرند که مقامشان از لحاظ میز عالی‌تر! و دستوراتشان در خرابی کشور مؤثرتر باشد!

با مقدمهٔ فوق و آشنایی بمحاسن اخلاقی و طبع بلند آقای موسی معروفی واضح است که ایشان بهیچوجه نمی‌توانستند در چنین اداره‌ای نتیجه مثبت گیرند، لذا پس از شش‌سال سرگردانی با زحمتی این آواز را پس گرفتند و چون اینجانب از این امر اطلاع حاصل کردم پس از مذاکره با ایشان و اضافه کردن پیش‌درآمد، تصنیف و رنگ با کمال افتخار زحمت نوشتن خط نت و چاپ آنرا قبول کردم و امید است که این امر همچنانکه نظر و میل ایشان بوده و هست با تشویق علاقمندان بموسیقی برای سایر آوازها نیز ادامه یابد.

۲ ـ این جزوه شامل پیش‌درآمد، چهارمضراب، آواز (شامل گوشه‌های سارنگ یا سارآهنگ، عشاق، گیلکی، زار و نزار، کوچه‌باغی، چوپانی، دشتستانی و مثنوی است) تصنیف (اشعار آن از خود آقای معروفی است) و رنگ دشتی می‌باشد.

۳ ـ این آواز طوری تنظیم شده که علاوه بر تار و ویلن برای کلیهٔ سازهائیکه بتوان با آن موسیقی ایرانی را نواخت قابل استفاده است، ضمناً خوانندگان آواز نیز میتوانند با در دست داشتن این جزوه در مدت کوتاهی به طرز سرائیدن و خواندن اشعار و آهنگ‌های ایرانی آشنایی کامل پیدا کنند.

۴ ـ برای اینکه تکرار مقامات خواننده بوسیلهٔ نوازنده موجب ملال خاطر شنوندگان نگردد بطوریکه نوازندگان محترم ملاحظه می‌فرمایند پس از نغمات خواننده مطلب دیگری بکار رفته است که باعث تنوع و از بین رفتن یکنواختی آهنگ می‌باشد.

۵ ـ آرشه‌گذاری قطعات این جزوه بمنظور تطبیق آهنگ با سیلابهای اشعار میباشد، دولاچنگ‌های آکسان‌دار نیز یک‌سیلاب از شعر را دربردارد.

۶ ـ خطوط نستعلیق این جزوه توسط استاد هنرمند آقای ابراهیم بوذری نوشته شده است.

لطف‌الله مفخم‌پایان